

است که جواب روس بدولت انگلیس به تصفیه امور امپراتوری را میدهد - ازین و بعد روس محتمل است جہازات اشیاء دولتی را براند نه نماید - ولی تاکنون فیصله خاصی نشده است

§ مخبر (روتز) از (جیفو) خبر میدهد که دو جہاز مونتک ژاپون شبانه بدون چراغ وارد جیفو شده بفاصله نیم میل دور از کشتی (ریچانی) لشکر انداخت و جہی از لشکریان ژاپونی بر جہاز ریچانی رفته جہاز مذکور را از اسلحه جنگی عبران نمودند و در بین با تفنگهای کوچک نیز شلیک می نمودند - و ضمناً یکی از روسیان مجروح شد § علی الصبح یک کشتی دیگر ژاپونی جہاز روس را از بندر خارج نموده از نظر غائب گردید

§ قوسل ژاپون اظهار بیعتی درباره هریان نمودن جہاز جنگی روس از اسلحه میدهد

§ مخبر (روتز) که در واردی حمل (کروکی) است خبر میدهد که از آثار و حرکات روسیان چنان ظاهر میشود که در مقدم (اواوانک) - حکمی سخت پیش خواهد آمد روسان سکر و استحکامات جدید تعمیر می نمایند

§ مخبر روتز از (پتوسبرگ) خبر میدهد که هیئت و کیسیون مخصوص از امران بزرگ مأمور شده اند که در ماده جہازات (والتیر) و اختیارات آنان مطابق قوانین بین الدول مشوره نموده فیصله نمایند

§ جہاز جنگی روس (زارویچ) که نقصان زیاد یافته با چهار (نوک) و یک کشتی موشک شکن در (سنکتو) که در متصرفات آلمان است وارد شد و دو جہاز جنگی آلمان (سپارک و تیس) نیز از (جیفو) بحباب (سنکتو) حرکت نمودند

§ یک جہاز موشک شکن روس که در (شنگهان) رسیده ظاهر میدارد که چند جہازات جنگی روس در قرب جزیره (یدل) رسیده اند - معلوم نیست که سایر جہازات جنگی دولت مشارالیها بچه حال و نکجا رفته اند - ولی مظنون است که مجدداً بجانب بندر آرتر عودت نموده باشند

§ بموجب اعلانی که دولت آلمان داده جہازاتیکه در جنگ نقصان یافته اند زاید بر ۲۴ ساعت در بندر آلمان اقامت نمیتواند کرد

§ مخبر (روتز) از (پتوسبرگ) خبر میدهد که یک جہاز کزیمه ژاپون (کسوکا) در جنگ بحری غرق شده است § جہاز ملکه داخل سوئز گردید § تلگرافیکه از واکینگتون رسیده ظاهر میدارد که حرکت

جہازات جنگی ژاپون در جیفو نسبت به کشتی روس (ریچانی) برخلاف قانون بوده - و بقیه است دولت آلمان در مسامحه خود را معمول خواهد داشت که از این حرکت مابعد دول در ماده صلح با چین نشکند

§ اعلیحضرت امپراتور کل مالک روسیه را خداوند وارث تاج و تخت یعنی فرزند ذکور عنایت فرموده (۱۲ آگست - غره جمادی الآخر)

§ مخبر (روتز) از (نوکو) خبر میدهد که نقصانات ژاپون در این جنگ بحری بسیار لطیف بوده و تلفات لشکری یکصد و هفتاد بشمار آمده است

§ مخبر (روتز) از (پتوسبرگ) خبر میدهد که دولت روس از حرکت کشتیهای ژاپونی نسبت بجہاز (ریچانی) در (جیفو) به دربار چین اعتراض نموده دولتین فرانس و آلمان مؤید وی شده اند

§ جہاز جنگی روس (اسکولا) در شنگائی رسیده نقصان زیاد یافته قابل حرکت نیست

§ مخبر (روتز) از (جیفو) خبر میدهد وقتی که امیرالبحر چین حکم نمود ژاپونیان که جہاز (ریچانی) را عودت دهد مستعد جنگ بود - و این واقعه وقتی بود که امیرالبحر چین جہازات ژاپونی اطلاع داد که جہاز (ریچانی) از اسلحه عبران شده ژاپونیان در جواب اظهار داشتند که ما را هیچ خیال حمله بر جہاز مذکور نیست

§ مخبر (روتز) از (پتوسبرگ) خبر میدهد که دولت روس در ماده غرق نمودن جہاز (نایت کاندرا) جواب اعتراضات دولت انگلیس را داده جواب بالفاظ صلح آمیز محبت خیز است

§ تاکنون کیفیت جنگ بندر آرتر رسماً اشاعت نیافته ولی همین قدر معلوم می شود که روسیان در قرار و ژاپونیان در عقب آمان وقت میگذرانند - و جہاز جنگی روس (زارویچ - بویدا و توپسن) را نقصان زیاد رسیده - امیرالبحر (ونگرو) که بر جہاز (زارویچ) بوده در این گیر و دار بقتل رسیده

§ چند جہازات کوچک ژاپونی در دهنه (سنکتو) نگران حرکات کشتیهای ذغالیکه برای روس در جزیره (سیدل) حمل شده میباشند

§ اعتراض دول سائره منباب حرکت جہازات ژاپون در (جیفو) نسبت بجہاز (ریچانی) روس پیش شده است (۱۴ - آگست - ۲ جمادی الثانی)

§ بموجب خبریکه به قوسلخانه ژاپون رسیده است دست بجہازات (ولادی و دسک) روس در (ناشیکجو) رسیده و چنان تصور می شود که جنگی سخت پیش آید

هنگامین

سنة ۱۳۱۱

قیمت اشتراك -
 (سالانه - شش ماهه)
 (هند - و بزمه)
 (۱۲ روپه - ۷ روپه)
 (ایران - افغانستان)
 (۴۰ قران - ۷۵ قران)
 (عمانی - و مصر)
 (۵ مجیدی - ۳ مجیدی)
 (اروپا - و چین)
 (۳۰ فرانك - ۱۷ فرانك)
 (روس - و تركستان)

(تاریخ و جغرافیه)
 (تاریخ و جغرافیه)
 (تاریخ و جغرافیه)
 (تاریخ و جغرافیه)
 (تاریخ و جغرافیه)
 (تاریخ و جغرافیه)
 (تاریخ و جغرافیه)
 (تاریخ و جغرافیه)

(مصادف با) قبل از دریافت نمودن قبض اداره (۱۰ منات - ۶ منات)
 ۲۷ اگست ۱۹۰۸ میلادی (خریدار نباید قیمت اخبار را با صدی تسام نماید)

در این خرید از هرگونه علوم و توابع سیاسی و منافع دولتی و فوائد مافی بحث میشود
 هیچ مراعات نام المنه منبول و در انتشارش اداره آزادست

فهرست مندرجات

- سیاسی - تلگرافات - مکتوب از شیراز
- راه آهن ایران - بطن سد امواز - نطالت و حفظ صحت
- مکتوب - لش ستر سکر و گر - عربستان
- اصلاحات جدید - با خیالات عالی و وزیر اعظم
- اسلام و اسلامیان - مکتوب بدارت آمیز - بوشهر
- سندوق مایه - بقره - تلگرافات

سیاسی

دامیان مال اندیش مغرب را هنوز اطمینان به بقای امنیت عمومی و آلوده شدن دامان اروپائیان بجهنگ اقتصادی شرق حاصل نشده - هرگاه دولت فرانسه میان نیوقاده در قضیه شرق کشتی (نابت کاندرا) سگر تپاری جهاز (ملک) و غیره دولت انگلیس مستعد مدافعه میگردد - آژده و آژدهم فروری تاخدم جولائی نو زده جهازات تهاون انگلیس را روسیان تلاش نموده و جلو گرفته اند - همین نکته را برای برانگیختن دولت انگلیس کافی

تصور باید نمود - صلح پسندی فرانسه مایا با تصور تضامینهای جنگ تا کنون این نیران را خوده داشته - دولت انگلیس فعلاً با اعتراضات رساه قناعت کرده - هر قدر حرابید ملی فریاد میزنند و مات و دولت را بر می انگیزاند که شاید برخلاف روس ودفاع از حرکات وی اقدامی شود ثمر نمی بخشد - ابدأ تصدیق نمی توان نمود که دولت انگلیس با آن که به پادشاه بحر و نهنگ دویا ضرب المثل است از دفع اجحساف روس خاصه درین موقع عاجز باشد - سکوت دولت مشارالیه را حمل بر دو امر میتوان نمود - اول وساطت فرانسه و دیگر ملاحظات سیاسی که امروزه مقابله با روس را خلاف مصلحت تصور نموده اجزیه نمی دهد

از اخبارات تلگرافی مستعد می شود که دولت آلمان در همراهی با روس همه قسم مستعد است اعانه مالی همان قرضه بود که در برلین فراهم نمود - و شش جهازات آلمان را نیز روس خریده مسلح ساخته در قطار جهازات گرمه دریائی شامله نموده و در کشتاری و تلاش جهازات مأمور داشته است - و نهنه در همراهی خیالی با روس همه نوع آتدگی ابراز میدهند بپید نیست اگر جنگ مغلوبه شود اول دولتی که جهابته روس قد علم نماید

دولت آلمان خواهد بود

چون مسامی جنگجویان روس در اشتغال نازده جنگ بین اروپائیان بر اثر طایفه به تأیید فرانس و آلمان در مشارکت دولت چین اقدام نموده اند - بدین معنی که از آغاز جنگ مانند دول سایر دولت چین نیز اظهار بی طرفی درین جنگ نموده دولتین متخاصمین نیز امانی داشته بی طرفی چین را تسلیم نمودند - کشتی [ریجانی] روس که پس از مرثشت شدن دسته جہازات بندر آرتر به چیفو فراور کرد - از آراهی که بندر چیفو از آغاز حرب خارج از جنگ و تحت امر چین قرار یافت و کشتی ژاپونی برخلاف قانون داخل ساحل چیفو شده و [ریجانی] را کشتان کشتان از بندر خارج کرده دولت روس را سمانه بدست آمده به تأیید فرانس و آلمان بدر بار چین اعتراض کرده که چون جہاز [ریجانی] در بندری که راجع بچین است بنا شده منع ژاپون اول و حمله می اورا لازم بود - حال که منع ژاپون را نکرده بی طرف در جنگش نمیتوان قرار داد بلکه باید طرف دار ژاپونش خواند - برخی را عقیده این است که دولت ژاپون مناسبات سیاسی امور و صلاح در این دیده که نام دولت چین را فهرست سلاطین بی طرف جنگ خارج نماید - این است که هر قدر دولت چین اصرار دارد که جہاز [ریجانی] را ژاپون باز دهد سرداران ژاپونی قبول نمی نمایند و حرکت خود را مطابق با قوانین بین الدول ذکر میکنند فعلاً بطور صحیح نمیتوان رأی داد که نتیجه این حادثات چه خواهد شد و یا برای چین نافع یا مضر خواهد بود و یا بی طرفی و طرفداری چین کدام یک از دولتین متخاصمین را نافع تواند گردید - چه هنوز برده از این مسئله نامصه برداشته نشده فقط سرمری مغایرتی در پیش است بزرگترین خساره که در جنگ اقصای شرق بدولت روس رسیده هاما اعدام قوای بحری او در بندر آرتر است - پس از آنکه لشکریان ژاپون کوه (اولف) را مسخر داشتند ملاحظه اینکه به لشکرگاه بندر آرتر گاوله ژاپونیان اثر کلی تواند بخشید - امیرالبحر بندر آرتر از امیرالبحر کل (اسکریدلوف) و [الکساف] دستور العمل خواسته امر محرک و فرارشان صادر گردید - این بود که امیرالبحر بندر آرتر (و نجات) دسته جہازات بندر آرتر را برداشته از آن معبر تنگ بزم فرار حرکت

نمود - برخی تصور میکردند که روسیان اراده مقابله با خصم دارند - جہازات بزرگ جنگی زره پوش روس ازین قرار بود زارویج - و توپزان - یوبانده - پریسواند - پلتاوه - سیواسنوبول - جہازات گزمنه که در درجه دوم جہازات جنگی بشمارند ازین قرار بود - بلاده - باین - اسکول - نوبک - و در معیت این دسته جہازات جنگی کشتیهای موشک و موشک شکن هم بسیار بودند با این حال قوت و تعداد کافی [اریک] معبر بسیار تنگی که از ششاه بدین طرف بارها ژاپونیان در سد آن سعی نموده و تا درجه کامیاب گردیده [اراده] فرار داشتند جاسوسان ژاپون بدو امر عوب شده چنین تصور نمودند که این دسته بزرگ جہازات که برای یک دولت بحری قوتی بسزا شناخته میشود برای جنگ با جہازات جنگی ژاپونی تدارک دیده شده و بقول افسران بحری آلمان هرگاه این دسته جہازات بزم جنگ با خصم حرکت نموده و ایستادگی میکردند باید بود بر خصم غلبه جویند و هرگاه مغلوب نیز میشدند تا این درجه مورد اعدامشان نمیکردید این نکات سیاسی حربه که بر رجال متوسط العقل نیز پوشیده نیست - نمیتوان گفت امیرالبحرها و سرداران بزرگ با تجربه روس ملتفت شده اند جز اینکه نگوییم چون خواست خداوندی بوده

(همه باقلاں کور گشتند و بر)

خلاصه چون این دسته جہازات با این کر و فر از بوغاز بندر آرتر حرکت کردند طایقی و طایقی را جلو خود بیافته و در مقابل خویش هیچگونه جہازی از خصم ندیدند اندک اندک جمیع جہازات ازین معبر تنگ بیرون آمده جمع گردیدند چنان مستفاد میشود که امیرالبحر ژاپون حرکات جہازات خصم را معاینه مینمود ناگاه عده مختصری از دسته جہازات جنگی ژاپون با امر امیرالبحر (نوگر) بر آمان ناخته جہله را تار و مار و ناقص و بر باد ساخت - کیفیت مآل هر یک از این جہازات از خواندن تلگرافات ظاهر تواند شد - در شرق این حال امیرالبحر ژاپون (کامیموره) که مدتها دسته جہازات [ولادیوسک] روس را متعاقب بود و در چند مورد هوشیاری و دانش امیرالبحر روس [اسکریدلوف] از جنگال (کامیموره) نجات یافت بلکه بعضی کارهای نمایان که مورد خوش

ناله خویش و بدنامی امپراتور ژاپون شده بود کشت
خبر خواهان روس را امیدوارپسا بدین وجود با
داشت و تجربه بود و مقوله جرات فراسه که نوشته بودند
امپراتور (اسکریدوف) در قطار اولین رجال با دانش
بحری بهار است به تصدیق بیوست - با این همه هیامو
تحمیل حملات جہازات ژاپونی را نیاقه دسته جہازات
(ولای و دسک) نیز با اعدام چند فروند کشتیهای جنگی
و گرمه و نقصانی بسیار و صدمات بی شمار منتشر و
پراکنده گردید - و دو امپراتور بزرگ روس (ونجرت)
و (متوسیویچ) نیز درین جنگ بقتل رسیدند علاوه
بر نقصانات مالی تلفات قشون بحری روس نیز درین
دو میدان دریایی بسیار عظیم بوده و اعظم خساره روس
را دشمنان با سیاست چیرگی خصم تصور میبایند - چه
دیگر قوای بحری برای روس در اقصای شرق باقی
مانند و چند فروند جہازات بحری نیز که در گشت
کشتیهای ولادیبودسک باقی مانده یا باید غرق شوند یا
عربان از سلاح و تسلیم - و در دریای اقصای شرق ژاپون
این مانع و مدعی امروزه بهر سو میتواند حرکت نمود
و چون از محاصره بندر آرتر فراغت حاصل نماید
بدون مانع و ممانعت در (هاربن) و (ولادیبودسک)
برآوجرأ روی خواهد آورد - و دیگر تصور قوای
بحری برای روس در اقصای شرق نمیتوان بود - چه بر
فرض آنکه تصدیق شود که دولت روس با آنچه عوایق
و موانع قادر بر حرکت جہازات جنگی خود از دریای
بالتیک بجانب اقصای شرق باشد زاید بر قوای بحری
خود که آغاز جنگ در اقصای شرق داشت طساعت
حاصل میتواند نمود - باز خواهد شد صورت اول که از
مقابله بحری با ژاپون عاجز بود - و مجدداً دچار خساره
بزرگ تر خواهد شد - بی هرگاه علاج واقعه را قبل از
تفویج نموده و پیش از جنگ سرداران روس ملتفت
قوای بحری خصم شده ربح عوایق را کرده تا جائیکه
ممکن بود جہازات دریای (بالتیک) را در اقصای شرق
می آوردند و تمام قوای بحری خود را در یک نمره
بمقابله دشمن نگاه میداشتند ممکن بود بر خصم چیره
شده این روز امروز را بیفتند بی اینها نتیجه ضرور
سرداران و اطمینان در عدم جرئت بمقابله روس بود
اخبارات امریکایی نویسنده که قوای بحری ژاپون را

پس از انگلیسان با هیچ يك از دول درجه دوم قرار
نمیتوان داد و در اقصای شرق يك تنه مقابله انگلیسان
نیز با ژاپون خالی از اشکال تصور نمی شود - و این امر
را دو سبب عمده است که اول احاطه علم ژاپونیان بر فراز
و پست این مملکت - و دیگر هیچیک از دول اروپا مانند
روس مقتدر نیستند که با جمیع قوای بحری خود را در
اقصای شرق برای مقابله با خصم قوی بجه حاضر دارند
تاکرات

(۳ جمادی الثانی - ۱۴ آگست)

§ بحری (روز) از خبری میدهد که امپراتور
روس (متوسیویچ) که در حمله جہازات جنگی
ژاپون بر کشتیهای روس مجروح شده بود در مریض
خانه (سینکتو) وداع زندگانی گفت
§ جہاز جنگی (زارویچ) در قریب بندر آمده کشتیهای
ژاپونی در کینگاه نشسته که بمحرد خارج شدن بر وی
حمله نمایند
§ جہاز گزیمه آلمانی که بروس واگذار شده از (سینکتو)
مسلح با اسلحه و در تعداد چهارات حکمی شامل گردیده
است
§ از رپورتیکه امپراتور روس (متوسیویچ) قبل از
رحلت خود داده کیفیت و چگونگی خروج جہازات
روس و فرار آنها از بندر (آرتر) نیکو معلوم می شود
§ در جنگ تاریخ دهم جہاز جنگی ذره پوش روس
(زارویچ) با دازه صدمه یافته که از همراهی ما سائر
جہازات عاجز ماند و این صدمه را از يك کشتیهای
موشک ژاپون که شباه بر وی حمله نمود یافته است
علی الصباح خود را در خارج بندر (سینکتو) کشاید
بدانجا بناه گزید
§ اداره بحری ژاپون اظهار داشته که بر جہاز
(ریچلی) روس در (چینو) بدین سبب حمله شد که از
سلاح عربان نبود - ولی روسیان مدعی اند که
امپراتور چین او را بدوا از اسلحه عربان محروم کرده بود
و از آن بعد ژاپونیان بر وی حمله کردند
§ خبر (روز) از (توکیو) خبر میدهد که دسته از
جہازات جنگی ژاپون به کشتیهای (ولادی و دسک)
روس امروز ساعت پنج در خلیج (کوری) برخورد
و پنجاه دقیقه کامل در کال شدت جنگ بود و جہاز (روریک)

در این جنگ نیز غرق گردید و جہازات روسیہ (روسیا و گورومویا) بدقتان و صدمہ بشیاری غرق نمودند

§ خبر (روتز) از (ویہایوی) خبر میدهد کہ یک جہاز جنگی روس در (شنگوننگ) بکوه خورده قطعہ قطعہ گردیده افسران او با سی و شش سرباز و سائر عملجات جہاز در ساحل (ویہایوی) بچاک آمده اند

§ وزیر خارچہ روس (کونت لیسدروف) از دولت فرانسه خواہش نموده کہ در بارہ حملہ ژاپون بر جہاز (ریجانی) عمیت دولت چین بدربار ژاپون اعتراض نمایند § دولت روس سفیر خود (پگن) دستور العمل داده کہ در باب گرفتاری جہاز (ریجانی) در (جینفو) کہ تحت حکومت چین است سخت اعتراض نماید - و دولت مشارالہا را مرعوب و مخوف سازد کہ نتیجہ این حرکت برای دولت چین عاقبتی بسیار و خیم در پیش دارد

(۴ جمادی الثانی - ۱۵ آگست)

§ کشتی جنگی روس (نویک) را هیچگونہ نقصان وارد شدہ و احدی از عملجات آن بقتل نرسیدہ از مقام (سینگنو) محل ذغال نمودہ بوم جمعہ حرکت کردہ و شبہ بین شنگائی و ناکاسی دیدہ شدہ - ولی از جہاز دیگر روس (اسکولد) بازوہ فر غرق و بچاہ نفر مجروح شدہ اند و دو بست ضرب گلولہ توب بدور رسیدہ بود بہ نشیہای جنگی روس (اسکولد) و (گورومویا) کہ فراراً خود را بشنگائی رسانیدہ خبر داده اند کہ در عرضہ ۲۴ ساعت از آنجا حرکت نمایند ولی برای مرمتی کہ قابل حرکت شوند وقت در کار است

§ دستہ جہازات امیرالبحر ژاپون (توگو) را درین جنگ نقصان بزرگی نرسیدہ جہاز (میکایی) کہ از جمیع جہازات زیادتر نقصان یافته بود بدون مرمت قابل جنگ است - نقصانات ژاپون در این جنگ یکصد و شصت و ہفت نفر از مرحمت بشہار آمدہ و نیز دستہ جہازات امیرالبحر (کامیمورہ) کہ ناقیل کشتیہای (ولادی ووسک) روس مقابلہ نمود نقصانی قلیل یافته است

§ دولت ژاپون رسماً خبر میدہد کہ یکی از افسران بحری ژاپون کہ در جہاز جنگی روس (ریجانی) رفته بود ظاہر داشت کہ جہاز مزبور ہریان از اسلحہ نشدہ

و در حینیکہ با کپتان جہازان گفتگو مینمودند کہ کرن کہ عملجات سپخوانہ جہاز خود را بطریق نمایند و افسر بحری روس افسر ژاپونی را بدریا انباشت و ذخیرہ باروط جہاز مذکور را آہن زد و بلزودہ قر از عملجات جہاز بقتل رسیدند - از آن بعد بناچار جہاز ژاپونی (ریجانی) را گرفتار کرد

§ امانی (توسکیو) از استماع اخبار فتوحات بحری ژاپن الوصف اظهار مسرت مینماید

§ کشتی (فرست بسارک) آلمانی کہ دولت روس خریداری نمودہ و در قطار جہازات گرمہ جنگی بشہار آورده جہاز انگلیسی (گورک) را جلو گرفتہ نیم ساعت معطل نمودہ مرخص ساخت

§ خبر (روتز) از (شنگونگ) خبر میدہد کہ گویہ جہاز جنگی روس (زارویچ) هدف جمیع گلولہ های ژاپونی قرار گرفتہ بود - ازین رو سخت صدمہ یافتہ از جہاز مذکور بازوہ قرمہ تولا و چہل و پنج نفر مجروح گردیدہ است

§ خبر (روتز) از (جینفو) خبر میدہد کہ امرودہ صبح ۱۴ شدیدی ژاپونیان از جہاز جانب بریندر آرہر نمودہ اند

§ جہاز (ریجانی) بتاريخ ۱۲ شہر بخاری در جزیرہ (ایلیت) دیدہ شدہ قوسل ژاپون در (جینفو) اظهار داشتہ کہ دولت متبوعہ وی جہاز (ریجانی) را مرکز بدولت روس بار نخواہد داد

§ بموجب تلگرافیکہ از (سینگنو) رسیدہ کہ کشتی جنگی روس (زارویچ) بلاسہ جہاز دیگر روسی نشان جنگی خود را نزد حکومت آلمانی فرود آوردند

§ جنرل قوسل ژاپون در ہمیشی خبر گرفتاری جہاز (ریجانی) را کہ از دولت متبوعہ خود بدستہ چنین اشاعت میدہد کہ شب دہم وقتیکہ جہازات روس فرار کردند کشتیہای روسک ما (اسامیو) و (کاسومی) را بہ نظر آمد کہ یک کشتی با منہای سرعت بسیار مغرب در حرکت است بواسطہ تاریکی شب لز نظر نائب گردید صبح بعد از تلاشی بسیار معلوم گردید کہ کشتی مذکور در بندر جینفو داخل گردیدہ کشتیہای ما تا شام در دمنہ بندر (جینفو) انتظار نمودند کہ شاید بیرون آید از آن بعد داخل بندر جینفو

نیاید معلوم گردید که کشتی موشک شکن (ریحانی) است و هیچ تلفاتی برای اهالی این شهر نماند. لکن تا آنجا که در این شهر (تبرایضیه) را بیشتر (ریحانی) فرستاده که با کشتیهای بسیار مذکور کشتیها عبور کرده که آبا از بندر جیبو خارج میشود با چهار مزبور را به قبضه واپون میدهند کشتیان چهار هیچ یک ازین تکالیف را قبول نه نموده و در این محبت کشتیان روس حکم نمود که جرحهای چهار را خراب نمایند و ذخیره باروط را آتش زند و بتأیید (تبرایضیه) را گرفته دریا انداخت و نیز افسر دیگر روسی متهم واپون را دریاه براند ساز عمده چهار نیز از آن بعد آغاز بشمنی نهاده فوراً ذخیره باروط را آتش زدند و نقصان چشم واپون گردید چون امیرالبحر واپون این حرکات را مشاهده کرد عبوراً حکم بگردنای چهار (ریحانی) داده کشتان کشتی بردند در این وقت یک متول و چهارده نفر واپونیان مجروح گردیدند

مکتوب از شیراز

(از قیامت جبری می شنوی)

(دستی از دور بر آتش داری)

مؤیدالاسلام - شرح واقعات جنگهای شیراز - محراب نیاید - شاهنشاه ابراهیم (شجاع السلطنه) مرطاب و صاحب اختیار مملکت فارس چهاردهم ربیع الثانی ده ساعت از دسته گذشته با احترامات فایده از کشوری و لشکری وارد گردیدند توپهای - آبی شلیک شد و درازی خاص منقده و صفه - سیلابی مخصوص آراسته گردید - علی الریح تاج الشرا قصبه تهیت ورود را قرائت نمود درباریان را شاهنشاهزاده بدین غلط خطبه فرمود در حین ترخیص از خاکهای مبارک - اعلی حضرت هارون بیدان معجز بیان خود ارشاد فرمودند (ای فرزند رحمت بمنزله اولادان مجازی ماست باید کمال توجه را بنمایم که دست تعدی ظلام از سر فرزندان ما قطع گردد چنانچه خاقان پیغور فرموده تشکیل دولت ارمات است آری - حالت را پیشه کرد نامت بدوات رایگان و امور سلطنت کاملاً انجام پذیرد) و - و - و -

پس از آن تمجید و تحریف زیادی از جناب سردار اکرم فرموده اظهار فرمودند که اهالی فارس

خلیلی باید متشکر باشند که مانند سردار اکرم شخص کافی دولت خواه ملت نوازی مقصدی امور آنان شده قول او قول من و فعل او فعل من است - سردار اکرم آقا میرزا عبدالله خان صاحب السلطنه همدانی است که در ایات حساب نظام شاهنشاهی فارس تشریف آورده و اهالی غایت خوشنودی و از ایشان داشتند - ساعد السلطنه فرزند ارجمند ایشان نیز بریاست کل قشون فارس در رکاب شاهنشاهی و فرود شهباز گردیدند

سپس سبب محنت قوام الملک که طرف مخالفت سلام را داشتند اظهار کمال مرحمت فرمودند و اهالی فارس را امیدوارهای گونه گونه دادند چند روز که از ورود شاهنشاهزاده گذشت حضوراً و یک آبدست ترمه با سرخوس - الماس بجناب قوام الملک و یک بالطوی ترمه بجناب سالار السلطان و بالطوی ترمه دیگر بجناب نصرالدوله در اظهار خوشنودی از خدماتشان رسم خلعت مرحمت فرمودند

امسال در موسم زمستان بارندگی کامل نشده آب رودخانههای بزرگ کم و بسیاری از رودخانههای کوچک یک مرتبه خشک شده است - ازین دو برزراعت قحان عظیم وارد و قیمت ارزاق خلیلی ترقی کرده - آغاز سال که کار بدین موافق باشد آخر سال را خراوند ترحم فرماید

اهالی فارس چون طبعاً از حکومت شاهنشاهزاده شجاع السلطنه مسرور اند در ورود او ک مباد کشتان ارسیم قلب استقبال با شکوهی عبور شهر را نیکو آیین بستند - جناب نصرالدوله ناع مکتوبی را بضمی آرایش و زینت داد که اهالی فارس کتر این گونه آیین بندی دیده بودند - سر در عمارت حکومتی را جناب قوام لشکر خلیلی مجال و با شکوه آراسته کرد میدان توپخانه را جناب عطاءالدوله - و شاهزاده مؤید السلطنه تکرانخانه و غیره را آراسته داشتند مختصر شهر فارس بیمنت قدم شاهنشاهزاده چون دستگی آراسته و پیوسته بود تحصیل آلبازی و چگونگی شوق و شغف مردم در تحریک دست نیاید

چند روز قبل از جناب لیلک کبری اعلای بدین خواننده باجه (مکتوب) در شهر فارس گردیدند

جوب و يك هفته حبس خواهد شد (از آن بعد اعلان
اشاعت یافت که هفته دو روز یعنی شنبه و سه شنبه در
عمارت خووشید شاهدشاهزاده اعظم به نفس نفیس جود
رای رسیدگی با مور رعایا خواهند نشست و هرکس از
زرگ و کوچک زن و مرد کاری داشته باشند هیچگونه
مانع و عایق و صاحب و درمائی رای احدی نخواهند بود
هرگاه طریق شایسته ادارات حکومتی رسیدگی در امور
عارضین نه بماند شخصاً رسیدگی خواهند فرمود در این
اعلان حقوق . آمورین رای فصله امور معین شده تا
مقام زیادتی و احصاف برای آنها نماند

در حالتکه مردم فارس از مسرت قدوم مبارک
ولی امت زاده خود در بوسه نمی گنجیدند ناگاه
معرض و با که امش در جهان مباد با کمال قوت و
شدت روی بفر آورد . از هر طرف مردم مثل برگ
درخت زمین ریختند آوار الامان الامان از خلق
مانند شد و طای فرار فرار در مردم افتاد هرکس
توانست از هر طرف فرار نمود بازار و دکان است
شهر شیراز بموت روز قیامت شد همه خاق و اسما
گویان بودند جمع برگان شهر با طرف و احکامش
فرار کردند شاهدشاهزاده بواسطه مراتب مرس چند
مقام سدل دادند . حالت امالی فارس را این نکته
ملاحظه فرمائید کارهای بخارن مسدود . بروات مسدود
و دکا کین سد . اوراق معدوم تحمیر و اکمین اموات
دشواری . امروز امالی شیراز چنین روری ندیده بودند
کسی که در برابر این سبل الایا با منهای حالات
و کمال قوت قلب استناد و در راحت خاق نرسید
و در آسایش مردم از حلاك حان نیندیشید بگاه ملت
خواه فرازاه جناب آقامیرزا حبیب الله خان سالارالسلطان
یکلریبکی فارس فرزند ارشدار حند آقای قوام الملک بود .
که در وگه آسایش خلق و نگاهداری امنیت و دفع و دفع
این الای مردم دقیقه فروگذار فرمود . بن مردم بافتوت
ترك شهر گفت و از حاق گزاره نگرفت اموات قرا
را بخرج خود دفن مینمود در شهر شیراز با این همه هیاهو
و واها حلق که پدر از پسر گریزان و طدر از فرزند
هراسان بود و بالغ رسه هزار نفر بنوع تحقیق تلفت شدند
از جناب جناب سالارالسلطان با معنی جنایه طعن
نماند . در میانین غلر بشیر و دفع (شکلی بلوزی)

سالارالسلطان و پشای نجوم . چه از کله کله بولایت .
عدم باریدگی غله گران و کباب خوردن و از طرف دیگر
تبویع اینرض اندک غله بهر کجا از بلوکاتد بهر می آمد
بند شد . محتسب درین احواف نیز که نه از منحل بفرم
دارد . از رسول آرزوی بازار را آشتی دین در عمل
نفس خود مستقل مابند را نحو لازمه قوت و حصول
مردی بود در اطینان خلق و دفع خطر و خلا و لوازم
دفع این عساری از سالارالسلطان بمنصه بشیود رسید
بلکه در راه دولت جوانی و ملت پروری از جلال و
جان و اولام و رنج نداشتند

امریکه از همه پیشتر مایه تأسف و تحسیر اهالی فارس
شده ایاز رجالت فرزند ارجمند و نمره پرونده جناب سالار
السلطان درین گیرودار که ما زکی از جانب دولت علیه
بنتب انتقال المالی میامی گردیده بود . جوانی خوره
سال ولی هر کانش همه خردمندانه و بی لوکش و پراپه و
مقتله بود در حقیقت سالارالسلطان چنین جوانی را
در راه خدمت بدوات و رفاه ملت فدا نمود چه اگر
مانند سائرین فرار کردی یعنی از شهر خارج شده و حفظ
حان خود را با نظامات ملکی و رفاه مایه مقدم میباشد
طاهرا این قضیه رخ مینمود . مایه اهالی فارس از رجالت
این جوان متأسف و نالمانند میزند مرده اند خداوند
حد و بدر و عم گرام او را صبر جلیل و اجر جزیل
عبایت فرماید و به هم البدل تملی بخشد

اگرچه چند روز است که مرض در شیراز تخفیف
یافته ولی تا کنون درست دکان و بازارها باز نهد و
مردم معاودت نموده اند فعلاً چیزی که مردم را حیل
بریشان خاطر داشته تری اوزاق و قلت آن است با این
صدمه عظیم و مصیبت زری که بجناب سالارالسلطان وارد
آمده و بجای ایشان هرکس بود يك دفعه دست و پایش
از انتظامات ملکی مردم سر شد کاف السائق در رفاه خلق
و فراهم نمودن الرزق بسای و جامد و آنی در دفع
این بلیات آرامی نمانند . اگرچه بحیث اهالی فارس
نسب باین خانواده قدیمی است . ولی جان فشانچای
سالارالسلطان درین موقع ایستاد و بدو وصف بر محبوبیت
ایشان افزود

(هر چه که شکرتیم بیک است)
(ای که در حقیقت روح پرور و پدید آورنده)

تعمیر و آبادی ایران

عرب بخیل سال است که از سرحدات مشرفین
 و غیرت جزایر مظلوم می شود و حال دربار طهران
 و کتی منتولین لایق و امضای ایران در باب فوائد
 امانت و وضع بنای آن سخن می کنند - ولی جای
 تکیف و تاسف است که تاکنون اتفاق و اقدام عملیات
 این کار خلیل خوب نکرده اند که نام بزرگ گذارند و
 نفع عظیم بر داشته و وطن را لباس تازه بپوشند و اهل
 و نظرا عزت و سعادت بی اندازه بجمعند - بدیهی است که
 معجزات ترقیات مرتکبتن و بشک دنیا واسطه قانون
 و لغت خراسی متکلف دیگر عدم قانون است - چون
 اسکون نمون و عنایت سبحانی و اقبال پیروال
 سلطانی مسند وزارت جلیله عظمی باوجود بافر وجود
 شخص منظم کافی و کار آگاه و خیرخواه شاه و سپاه زیب
 گبر و زینت پذیر است و شب و روز وقت و لطف
 مبارکش وقت و صرف تهیه لارمه و تدارکات مستلزمه
 اسباب رفاه و آسایش عموم ناس و ترقیات دولت جاوید
 اساس است الشان الله تعالی زودی ایران نظام گیرد و
 دین و دولت اسلام انتظام پذیرد - لهذا بر همت و غیرت
 اسلامیة منقولین فرض و لازم است که از حلاله پیشانی
 اتفاق محکم کنند و بنی از توانگران شرف و اخلاهارا
 نه ده نه صد هزارها در زیر زمین دفن نموده و برادران
 دینی و اطفال خورده سال یتیم و زنان بیوه و مسوان
 سال خورده را گرسنه و برهه یا در جامه باره باره
 بروی همان زمین نگران کنند و خود را نادیده بینایند
 خوب است آنها را هم از این کار منع کرده و با خود
 متحد کنند و جوی هم که بخیمال خودشان تربیت یافته و
 و از تعلق فقط ریش تراشیدن و سرباشیدن را با علی
 درجه یاد گرفته اند سرمایه را که حاصل حاکم باک اسلامی
 و ارغنائات وطن است بصراغهای لرگستان نریخته و
 خاک مصاب بر برقرقاء و مساکین به بیخه همگی را سبقت
 کرده و با خودشان متحد نمایند و معنی حکم محکم (احل الله
 البیع و الحرم الربا) را بجمعی خالی و بی صورت نهاد
 و اتفاق اسباب محبت وطن نانی که طایفه خیانت اطفال
 خود سال گرامی عمومی است فراهم کنند

در صورتی خواهد بود که بقوت اتفاق و مفودت بنویسند
 مردمان با علم و صرفه کار شروع این کار کنند
 لولا باید متمولین باشکتهای ایرانی شریک و شامل
 شوند آنکه امتیاز ساختن در آهن از مشرق مغرب
 و شمال تا جنوب بلکه چند شعبه دیگر هم که مفید
 دانند از دولت علیه بگردند که راه احاب از هرجانب
 مسدود گردد و کبابی ایرانی بدون رقیب باطمینان
 خاطر مشغول کار گردد آنکه از هر جا که صلاح دانند
 بنا نمایند و اعتقاد شده بر این است که بموجب رای ملک
 آرای - علی المبین بکراه کوچک از بند راهوازی شروع کنند
 که تا اصفهان و طهران منتهی شود و یک راه دیگر از
 بندر (حز) شروع نماید که اول تا مشهد مقدس کشیده
 و از آنجا هرگاه مصلحت دهاند یک راه تا سرحد
 عشق آباد و بصره راه تا سرحد سیستان رساند منافع
 ساختن راه آهن از بندر (حز) تا مشهد مدنی بواسطه
 ایاب و دهاب زوار بسیار خواهد شد و راه آهن
 اهواز بهت زراعت آن صفحات هم بهزار جاهای دیگر
 است و الشاه از شافع این دوشعه اسباب تکمیل تعمیر
 سائر شعب راه فراهم خواهد آمد - بدیهی است دولت مظمه
 لرگستان باوجود دریای ثروت و ثمول و هزارها
 کارخانجات صایع که دارند و ساختن راه های آهن را
 در ممالک متصرفی خودشان خاصه در آریا از قراض
 میداستند مع هذا هر طرف نگاه می کنیم اکثر راه ها
 را کوچک ساخته ملکه بسیاری یک شعبه کشیده اند طرا
 چه افتاده که باوجود این که به آنچه ثروت داریم و نه
 آقدر کارخانجات صایع و نه آن مقدار زراعت - و
 حالا میخواهیم راه آهن بزرگ هم دو شعبه بنا کنیم
 اگر میخواهیم پول از خارجه قرض کنیم فرضا اگر بدهند
 مداخل راه های آهن کفایت مصارف و تزیل پول را بدو
 نخواهد نمود و هرگاه امتیاز بخارجه داده شود تا قیامت
 بخاستن نرسد - و بفرموده مرحوم شاهزاده حاجی
 معتمد الدوله طلب ثراه (در هر گامی هزار تا سکه ای
 خواهد بود)

تعمیر و آبادی اهواز

چون لرگان جهان مطلع قانون به بسن بند
 اهواز طرف سدوز پلنت - اول جنبه بوز - بعد آمد
 نشان عمارت سلطه تفسیر و اصلاح و نظریات

بنای راه آهن از سرحد ایران نخستین وسیله نجات
 و جلیه و آسایش ایرانیان است ولی تصور این جدول

سلطنت عظمیٰ بر اختیار اند مهندس کاملی در (لاهی) دیده و جیده و روانه طهران نمودند و از قرار مجموع از آنجا برای ستی بند اهوار که اسباب الاتح ابواب هزارگونه سعادت و نیک بختی اهالی خورستان بلکه احیای ایران است تازم گردید

این نشارت همان قیمت محبت ابرایسان مقیمین منالك خارجه باعلی درجه موجب نشاست و هرگونه امیدواری گردید - از اجماعت ~~سکه~~ در دو سه ماه گذشته از هر طرف غیرخواهان وطن شرحی از عظمت و حشمت شهرها و آبادی و دراعت همراهی خورستان و خروارهای قره و ملاکه از شکاری و سوداگری شکر و بیل ممتاز حظه سیطه اهوار باید دولت و ملت ایران در زمان ناستان میشد نوشته و در درنامه مهندس حل الملتین و غیره بدرج آمده طاهرأ بطور خجسته و مقصود شایسته جنب عالی حل قلوب و توجه متمواهی طرف اهوار و تریب و تخریب بخریدن اراضی و تپه و مدارك دراعت بیل و بیشکرت است که تمام هم منتفع شود و هم بیکام

در ایسکه ~~مملکت~~ خورستان از زمان سلاطین سامانیان تا قریب به اواخر ~~مملکت~~ اصراب در کال آبادی بوده است شکی و شبهه نیست و اسباب عمده آن آبادی (رود کرد) و سد اهوار و چند سد دیگر بوده است - درین مطالب هم همه تصدیق دارند ~~سکه~~ سیصد سال یا پنج صد سال بعد از بستن سد حظه خورستان بکشتان گردید و اکنون که از اهوار بجزراً میتوان با کرایه قلیل بیل و شکر به هر بدر خارجه برستاد و راه آهن تمام هم رودی قریب اهواز خواهد رسید در این صورت ~~مملکت~~ که پس بسته شدن سد اهواز حظه خورستان در سی سال بانداره سیصد سال سابق کس بزرگی و حشمت و ثروت میباشد (چنانچه ژاپون راه سیصد ساله را سی سال طی نمود و دم فرسود) ولی چون دیگران از حزنش گهاند دیده عیش را بیکوم چه (علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد) در وشگاه مطالعه کبدهگان اخبار آشکار است که بدر محمود ~~مملکت~~ امروزی یکی از بناور بظیم آپسها محراب ~~مملکت~~ از ~~مملکت~~ است که ادویه

صفت در تپه اسباب حفظ الصحه و بجاختن خیابانها و کوچهای وسیع و باک و پاکیزه داشتن شهر بذل دیار و مردم و صرفی اوقات هم کرده ~~مملکت~~ با ~~مملکت~~ مدکوره چون روز اول آبادی طرح شهر ریخته شد و در اوایل ملاحظه جلب مردم و عین آسودگی و آزادی آنها که از هر طرف به عشق می ریختند در باب ساختن حاشا چندان دقت نکردند خود بی حلیقه و صرفه جو و قناعت خورم خاهای دو طبقه نامیت طبقه و یک ~~مملکت~~ بهم متصل و یک رشته مسلسل ساختند که تحصیل کثرت و کثافت و گرمی و آریکی آنها به تخریب نمی آید - بتایج آن حاشا و کثافت آنها باعث بیماری طاعون و طاجز کردن هزار چون اطلاقون شد حال اداره صصانی عشق مجبور به بدل حزام و خریدن و خراب کردن هرارخانه شده و خواهد شد و بصرف مباح حکمت بتوسیع کوچها واحداث خیابانها پرداخته است -

اکنون که رأی جهان آرای اقدس هلیونی باحیای خورستان علاقه یافته و توجه حضرت وزارت پناهی به تعمیر سد تعلق گزیده خوب است که اول نقشه شهر برکی برای طرفین سد اهوار نکشد که اقلانگیچایش با صد هزار نفر ~~مملکت~~ تا خیال و اطفال در نهایت خوبی نکند هرگاه از ~~مملکت~~ کشیده بشود و قرار درسی برای بای حاشا مدخند رود آخر طایفه خرابی هرگونه آبدی میشود یا باعلی درجه آبادی شهرهای فرنگستان خواهد رسید

هنگامیکه شهر اهوار در عظمت و شکوه و کثرت حیثیت و تحول و ثروت از اکثر بلاد ممتاز عالم اختیار داشت سات کثرت انهار و انبوه خلایق و تنگی معابر و عدم اداره ~~مملکت~~ همیشه خاصه تابستان بخارستان بود - ماری از توحشات و تعلقات اولیای دولت علیه امید میدارم که امر و مقرر فرطاید طرح این شهر را بطور بسیار فشنگ نکشد و اسباب آرایش آیین و آسایش زندگان خدا را بدوا از هر جهت فراهم نمایند که اشیاء ~~مملکت~~ کمالی در دور دل آوری نظری حظه اهواز بمقام نزدی خود برگردد

(هر که از حقیقتی بود شینین) (آدمی و غریب و دور برگرد آید) ~~مملکت~~

نظافت و حفظ صحت

بقدرالکد تکتسب المعالی * و من طلب العلی سهرالیالی
 ینوس البخر فی طلب اللالی * و یخطی بالسیاده والنوال
 ومن طلب العلی من غیرکد * اضاع العمر فی طلب المحال
 اقوام مال اندیش عاقبت بین (علاج واقعه قبل از
 وقوع) کرده اند - و دهنه سبل را پیش از سیلان آب
 بسته - کار امروز را فردا نبداخته از عمل و زحمت
 ظفره نرفته اند - اما ملل جاهل که ملاحظه عواقب
 امور و مستقبل احوال را ندارد همواره در خواب
 خرگوش قناده - و فکر آتیه و علاج وقایع مستقبه
 نمی افتند - قافل بخت یار و خردمند زیرک سار چون
 از دور شیخ سراب بیند پهنآوری دریای ژرف و
 صورت موجهای کوه آسا را در نظر آورد - و در
 تفکر شود که اگر ویرا روری با چنان بحر عمیق
 سروکار افتد چنان ارجشکس بجات توان یافت و در
 علاج او بجه وسیله باید متوسل شد - چاره کار چیست
 در طمان درد کدام ؟ پس خواب و خور بر خود
 احرام نماید و شب و روز از بای نشیند تا بر گردن
 آرزو سوار شود - ولی جاهل قافل و نادان حامل
 که سر تا با معطالت و همه تن کسالت تا زمانی که در
 لجهای دریا چون مرغابی غوطه ور نشود دست و
 پایش از حرکت باز ماند و نفس با بحر رسد هیچگاه
 بفر ساحل و معبر نشود و خیال وسیله و حیل در
 دفع این مکروه و رفع این اندوه ننماید هیات چون
 کار از دست و تیر از پشت رها شود - آب از سر بگذرد
 و بای در گل فرو رود - تدبیر نتیجه ندهد و فکر عمر
 بخت زحمت پیهوده گردد - رنجها هدر و سهوا بی اثر
 ماند - چون آن حیوان جرنده که در فصل بهار و
 هنگام تابستان و موسم خزان خوش بخسید و در
 آن سو بچرا مشغول گردد هرگز در فکر نباشد که
 این روزگار خوش و خرم را و زمان دل کشای بر
 نعمت را از عقب هنگام جان گداز و شب تیره نکبت
 و اذبار است - همه اوقات را خوب و موافق تصور کند
 و همیشه عیش و ناز را میسر گمان نماید - چون آن ایام
 خوش بسر آید موقع زمستان و سردی رسد و روز
 تنگی و حسرت شروع شود - نه در ضمیر آگاه ماند و
 نه در حین عاف و سعه - بیهوده نهر طرف دوه

و از هر سو راه در نوردد و بهمه جانب در تک و
 پوشود - هیچ در هیچ جا نیاید و آن آقا ن جوع و
 گرسنگی - شدت کند مردی هوا متزاید گردد قوت و
 توانائی ضعیف شود و ضعف قوت کبرد به قوتی یابد
 که سد جوع کند و نه مأمنی که ساعتی از الم سرما
 آورده شود - دست افسوس بر سر زند و انگشت
 ندامت بدنمان گردد - مردم روزی و زمانه خوشی
 را بخاطر آورد و اشک حسرت از دیده بیاید و از
 تلف کردن هنگام دلکشی را بیطالت دریغ خورد -
 اما چه سود که نه راه فرار دارد و نه چاره خلاص
 ولات حین مناس (وهی یصلح العطار ما افسد الدهر)
 پس حال باید گمت

§ ای که بخواه رمت و در خوابی

مگر این پنج روزه بشتابی •

فرض از تمهید این مقدمه آنکه اتفاق جمیع اطبا
 بلکه مطلق عقلاء و دانشوران بر این است که ادامه
 حیات بشر بر مراعات حفظ صحت عمومی شرط است و
 تنظیم آب و مکان از لوازم است چنانکه تجربه و
 امتحان معلوم نموده اند که اغلب امراض ناشی از بی
 مبالائی در حفظ الصحه است - من جمله این مرض محس
 (کلورا) و با است که بر حسب دقت علماء طب
 جدید میکروب آن در آب کثیف تولید میشود و کثافت
 مکان و هوا نیز مد او میگردد - چندانکه دانایان
 نصیحت کردند بند و اندر زگفتند جراثیم فریادها
 کردند نرها زدید هر روز بخوار السلطنه اعلان جدید
 و اخباری تاره منتشر ساخته خالق را نظافت خانهها
 و کوجهها دعوت نمود (کانافه ختم علی قلوبهم و
 علی ابصارهم غشاوه) يك نفر در این مملکت - بیع گوش
 فرا نداشت بدین سخنان اعتنائی نه نموده یاوه و بیهوده
 پنداشتند - بر غرض شخصی حمل نمودند - تصورات
 بیخبر و خیالات خام در حق آنها کردند - دوستی را
 دشمنی دانستند - در جمع کثافات و اسب بان مولع و
 حریص گشتند - تا آنکه این مرض منحوس روی
 آورد - امروز نه جای قرار است و نه محل فرار -
 هرکس بفرنگ سمری کرده یا از وضع ممالک اروپا
 اندکی مسبوق است میداند ناچه مرتبه در حفظ الصحه
 سعی و کوشش دارد و در همه شعبات علم طب این

شبهه از تمام مهمتر و تلفتر است - چه قدر کتب و رسائل در این خصوص نوشته در هر شهر دسته از اطباء را شغل و عمل منحصر بمواظبت حفظ صحت هموم است ، عمده مشاغل اداره بلدییه همین کار است مخصوصاً مسئله نظیف کوچها و حاه ها که يك نوع مليات خاص مصارف این عمل است

حفظ الصحه چدين فروع و شععات دارد مراقبات عده بومیه - ملاحظه آبهای آشامیدنی - نظیف لباس - تربت جا و مکان - مراقبات خواب و آسایش - دقت در لطافت هوا - و ماسیت درجه حرارت و ورود آن - مابقی از ترتیبات معموله فرنگ را در این باب اهمالاً ذکر میکنیم تا بیکرته کار و عهده مطلب بدست آید و معلوم شود لوازم زندگی چیست و ترتب و نیه آنرا چگونه باید نمود

(۱) آب است که در تحت مراقبت کتبی خاص یا هیئت مخصوص است - تمام آب مشروب را در يك نقطه یا چند نقطه که بر چشمه یا اول رود خانه است مرتب و جمع میباشد - از آنجا پس از تصفیه های طی و حالص ساحق آن توسط لوله های آمین همه نقاط و جاهای شهر امتداد و در همه طعمات که تا پنج مرتبه و ریاده در اروپا معمول و مرسوم است صعود میدهند - و در هر جا بخواهند شربت زده یا هر وقت شخص محتاج شود فوراً شیر را بار نموده آنچه خواهد بردارد هرگز حاجت بخارج یا طبعه - ملی و علیای خود باشد و فاضل آب از طبقات عالی چون بطرف یا این سرازیر شود از بالها و اماکن کثیفه عبور کرده شست و شو میباشد و همه کثافات را نقل کرده بدریا میریزد و ابدآ از وقتیکه از سرچشمه خارج تا زمانیکه مصرف میشود هوا تلافی نمیکند و حاک و کثافات در او ریخته میشود و از انواع میکروبها که از هوا یا کثافت داخل در آب شده یا تولید میشود محو و ممانند - و از برای مصارف این عمل حتی معین است که باید سالیانه از تمام ارباب بیوت گرفته شود و تقریباً میزان متوسط آن يك ابره است و هر که آب زیاد لازه داشته باشد برای ناغ یا کارخانه وغیره به نسبت ریادی صرف آن باید ریاده بول دهد و بالعکس اگر يك خانه مدتی حالی وغیر مسکون ماندگی را بر صاحب آن حتی نیست و از این منابع بعد از وضع مخارج

قسمتی حق عیولت است که بمنزله مالیهات یا کتب الامتياز است - پس يك قامیل که پنج شش نفر باشند در مدت یکسال آنچه آب جهت آشامیدن یا طبخ کردن یا مصارف دیگر لازم دارند با کمال راحت و آسانی بدون آنکه راهی طی کنند یا تعلق کسرا گویند آب صاف زلال حالی از هر گونه کثافت و ادیت صرف نمایند و در عوض شش تومان مثلاً بدهند - حال میخواهیم با حالت حالیه مملکت خودمان مقایسه کنیم چون هر يك از بلاد ایران ترتیبی خاص دارد لذا ما شهر طهران که پای تحت و مرکز سلطنت و اهتمام در امور آن از هر جهت زیاده از دیگر بلاد ایران میشود معیار قرار میدهم - در این شهر بزرگ که بمنزله قلب مملکت میباشد وقتی هست که اهالی از مکر آب آورده باشند بسی از محله هاست که در مدت شش ماه آب بان نچیرند و فریاد العطش اهالی به ملک بلند میشود چه در طرف علیای شهر باغها و پارکها ترتیب داده شده حقوق این بچهارگان را نصب میگردد چون این مقاله محل مذاکره آن نیست درین موقع صرف نظر مینمایم - ارباب پرو احسان در ایران از هر ملک زیاده است چنانکه در هر شهر چند رشته قنات وقف شده تا اهالی شروب نمایند - ولی افسوس که بعضی از خدا بچهران سه طریق خیر و احسان را مینمایند - هر حال هر کس آب بخواهد باید چندی در عقب میر آب و مشاخرین دویده نمائند و چابوسی ها آورده رشوه و تقدیمی و انعام و تعارف و خدمتخانه دهد و چند تن متوالی خوب را بر خود حرام نماید ممتا بکشد تعبیرات و تشددات بشود تا وقتیکه آب بدو برسد آنگاه باید دید آن آب چه گونه جوهر و ماده است - فی الحقیقه اگر دوا سازان و شیمیاگران او را تجزیه نمایند میتوان گفت چهار عشر آن جامد و شش عشر دیگر طایع است و مرکب از مواد علفه و کثیفه و لرجه است چه بواسطه آنکه روی محاری و هرها پوشیده نیست همه سرشار است انواع کثافات و حاک وغیره بران وارد میشود و چون از اوجها و خیابانها عبور مینماید از خانه و دککین اقسام کثافات و خاک روبرو در آن میریزند و نیز مقرر است که خار و پوس

حیواناتها بعد از جلوبند نمودن هرچه از خاک و سرگین
 و غیره جمع شود محض راحت و صرفه خود در نهر
 میریزند و این خود مولد انواع میکروب و مورت تولید
 هرگونه مرض است - لطف این است که باید این آب
 با این همه لطافت در آبارهای مخصوص ذخیره والی
 هشت ماه و یکسال مصرف - نواده شود و چون روزی
 چند بر آن بگذرد بدبو و متعین گردد حال معلوم است
 که این قسم مشروب تا چه درجه مصر بحفظ صحت
 و منافی با سلامت است و موافق تحقیق اطباء باداش
 اغلب امراض بواسطه میکروب آب پیدا میشود مخصوصاً
 وبا و طاعون منحوس در صورتیکه مخارج تحصیل این آب
 بسی مرتبه زیاد تر از آبهای لطیف صاف فرانکستان
 پیش است و زحماتش مراتب افزون خدا داناست که وحشیان
 مرکزی افریقا و امریکا بدین گونه همیشه و زندگانی راضی
 نمیشوند و این مذات و سحتی تن در نمیدهند اکثر
 برجال خود رحم نمیکند خوب است بر اطفال معصوم
 بیگناه حیوش ترحم نماید زیرا که ابدان آنها نارکت و
 سرایت میکروب و مرض آنها سریعتر میشود این است که
 پیشم خود هر روز مشاهده میکند که کودکان فوج فوج
 اسیر جنگال مرگ میشوند باز هم ابداً بکر آینده اقیم
 که جلوگیری از این معاسد به ما میم (باقی دارد)

مکتوب

افتخار جهان جلال الدین
 ای تورا قول و فعل هر دو جیل
 نمکته های نهفته در سخت
 همچو امر غیب بر تتریل
 در روزنامه مقدس جبل المتین شماره (۴۲) مکتوب
 طمان صلح کرمان درج شده بود در ذیل آن
 جبل المتین بعد از ادای تهیت ورود نواب والا شاهزاده
 رکن الدوله بمقر عالی حکمرانی مملکت کرمان و بلوچستان
 مجلی از وسعت و خوبی خاک این ممالک و معادن
 و غیره و غیره مرقوم و معلوم فرموده بودند - هاما یکی
 از محصولات آنجا نیل است ولی چون کشت کاران
 کرمان در عمل آوردن نیل مهارت نیافته فقط قدری
 در زراعت بلدیت یافته اند تاکنون فوائد منتظره بر
 نداشته اند بلکه از هنگامیکه زارعین نیل هندوستان
 به کشت یافته و در کمال خوبی بعمل آوردند زارعین کرمان

از فواید نیل آنصوبه خودشان هم چندان نایل نشده
 امروز یکی از طال التجاره عمده هندوستان نیل
 است که هر ساله خروارها در امصار داخله صرف
 میشود - علاوه از آن خروار خروار از بمبئی و کراچی
 و کلکته و بنادر دیگر بلاد خارجه میبرند - از قراریکه
 حاجی فریدون کوراو غلی در سفرنامه خود چند سال
 قبل نوشته تخمیناً سالیانه ده کروڑ توطان نیل از کلکته
 بخارجه رفته و پنج کروڑ توطان از بندر مدراس خارج
 می شود - بدیهی است که علاوه از خاک کرمان
 زراعت نیل در خاک بلوچستان و سیستان و سادر
 فارس هم میتوان نمود - در خاک حوزستان که مانند کرمان
 بعمل می آورند - تکمیل نیل در کرمان و حوزستان
 خیلی آسانتر از زراعت جاتی میباشد که در گیلان بعمل
 آمده است - ده نفر از رارعین و استادان این فن را از
 کلکته یا مدراس طلبیده پنج نفر در کرمان و پنج نفر
 اهواز بگذارند در مدت یکسال هزار نفر از کشت کاران در
 ایرانی بلدیت و مهارت و استادی یافته و بزودی
 وطن عزیز ما از این احتیاج نجات خواهد یافت -
 امید میداریم که حکام والا مقام کرمان و بلوچستان
 و عربستان این هر یضه را بنظر دقت ملاحظه فرمایند

عش مستر کروگر متوی

عش (مستر کروگر) رئیس سابق دولت جمهوری
 ترسوال که در هواند این در قالی را وداع نمود دومبره
 سلاطین (هیگ) با منتهای احترام اطانت نهاده تا بجانب
 افریقای جنوبی گسیل دارند - ماکه (هولاند) علی الرسم
 بواسطه اعزاز این مرد بزرگ دسته گلی برعش او نثار
 نمود (مستر کروگر) در باره مجروحین روس بجاء ایرا
 یوم قبل از فوت خود اطام نمود - دولت انگلیس اجازه
 داد که جنازه (مستر کروگر) را آورده در (بریتوریا) دفن
 نمایند چنانچه جنازه او را با اعزاز لشکری در (بریتوریا)
 آورده با کمال توقیر و احترام دفن نمود

عربستان

از قرار مذکور اهلی شوشتر با یکدیگر در مناقشه و
 دو محله در مقام منازعه بوده اند و این محبه جناب
 اعظم السلطه حکمران جدید عربستان که از شوشتر مرکز
 حکومت شان به ناصری و ملاقات جناب عز السلطه
 سردار ارفع حکم عمره و اهواز و غیره آمده بودند

آسایش عباد و بلاد را متقدم بر آرامش خود دانسته فوراً به شوستر مراجعت فرمودند و ورود حضورشان شهر را منظم نمود

البته اداره خریدة مقدسه مسبوق است که امتیاز راه شوسه هرستان در چند سال قبل از طرف دولت ایران به انگلیس مسا مرتحت و در این مدت نظر به یارۀ عوایق اقدامی که به پایان رسد نشده بود حال همچو معلوم میشود پس از تعدیل و تغییر یارۀ مواد امتیاز نامه و ترتیب لوازم جدّاً شروع بکار کرده اند - و بدیهی است این مرتبه انجام میدهند و انشاء الله شرایط سابق و لاحق هر دو همه با مصالح و منافع دولت و موافق خواهد بود و تجارت و آبادی این صفحات بطور لایق ترقی خواهد نمود

در باب تأسیس صندوق طالبه و اجرای تربیات آن اوامر و تعلیمات به اداره مرکزی گمرکات هرستان رسیده و بموجب اعلام گردیده و یقین است میرا یاس رئیس گمرکات هرستان نظر به اهتمام شایانی که در انتظام کلیه امور دارند در این خصوص نیز بطور شایسته اقدام و تهیه و تکوین دولت امدی فرجام را خواهد نمود آنچه مسموع میشود یک نفر مأمور تجارت از دولت بیته روسیه این روزها بمحمره و هرستان وارد خواهد شد که تحقیق و اثبات در پیشرفت تجارت کند

اصلاحات جدیدیه یا خیالات عالیۀ

وزیر اعظم از شماره ۴۴

سخت در وضع خراج حالیه ایران بود که برخلاف ترتیب کنونی سایر ممالک متمدنه عالم است - از وجوهی چند من جمله تمایق گرفتن حقوق دیرانی رفقش آب و زمین با قطع نظر از منافع و عوائد زمین و نفع از مفاسد این عمل را نشان دادیم ثابت شد که تساوی در اراضی من حیث الخراج صحیح نیست و موجب مضرت دولت و حسارت رعیت میباشد. ولی اگر واقع سلبی و زمین باشد برعکس ترتیب مذکور نهایت سبب رفاه عامه و اردد و منافع ثروت دولت است اینک شرحی از مفائد و فوائد این ترتیب را که اکنون معمول به تمام دول متمدنه است عرضه میداریم

آنکه مداخل دولت بر این نسق افزوده میگردد

اگرچه در بعضی سنوات قطعی و بدی محصولات اندکی ضرر وارد می شد ولی عموماً موجب فزایش و ازدیاد است - چنانکه نقشه آن از تخمین ذیل بخوبی مستفاد میشود

جمیت ممالک ایران بر حسب تخمین بیست و نوبت تحقیق یازده میلیون است که چهل یا سی کرور باشد اگرچه در کتب حفراتی درنگیان ده میلیون مینویسند ولی مسلم است که مضاعف از این مقدار است تنها ایلیات و عشایر قریب باین عدد هستند و مقام شرح و بسط این مسئله خارج از زمینه مطالب است - و مسلم است که ماکول ایشان تماماً از قبیل گندم و جو و ارزن و برنج و ذرت و غیرهم از حاصل این مملکت است و محتاج بیست از خراج وارد شود و چون تخمین شود که هر یک نفر یومیه یک چارک قوت صرف مینماید (اگرچه اطفال خورد بسی کمتر صرف کنند ولی ملاحظه حالت اهالی قری و مزارع و ایلیات و چادر نشینان که لا اقل روزانه دو چارک مصرف میکنند میزان تعادل عملی آید) پس خوراک چهارصد نفر یک نفر یک خروار خواهد بود و کنگلک چهارصد هزار نفر را هزار خروار قسمت خواهد رسید - و چون این عدد را سی و هفت مرتبه تکثیر دهیم تا اقل مطابق سی کرور گردد هر آینه قوت یومیه اهالی سی و هفت هزار خروار خواهد شد - و چون او را ضرب در ایام سال که ۳۶۵ روز است زیم سیزده ماهون ویم یا بیست و هفت کرور خروار خواهد شد - و اگر حقوق دولتی را بمیزان دو عشر که بسی عادلانه و نهایت کمتر از خراج و عوارض حالیه اکثر اراضی است قرار دهیم دو ماهون و هفتصد هزار خروار می شود و چون قیمت آن را در پنج تومان محسوب داریم بیست و هفت کرور تومان خواهد شد باقی ماند آنچه حیوانات اهلی داده میشود و خوراک آنهاست از قبیل گاو و الاغ و اسب و قاطر و غیره که خوراک آنها گاو و جو و علف و یونجه و امثال اینها است و هر کس میداند اهالی ایران بحیوانات بارکش و سواری نهایت احتیاج را دارند خصوصاً اهالی قری و مزارع که از داشتن گاو و الاغ ناچارند شخم کردن و درو نمودن و نقل محصول کردن و تدارک زمستان دیدن بدون این حیوانات بکن نیست و در هر قایل قری و عشایر یک الاغ و گا و لایمنه است - و بجهت

حل و نقل مال التجاره و مسافر حتی آنچه از دمی بده
 مجاور نقل شود قاطر یا اسب یا شتر یا گاو یا الاغ لازم
 دارد. و همچنین در شهر اغلب محتاج ببارکش یا مل
 سواری اند از اهیان و امراء و علماء و روضه خوانان
 و اطباء و بسی از تجار و کسبه. و احتیاج دولت نیز
 باسب سواری و مالهای توب خانه و قورخانه و غیره
 محتاج بشرح و بیان نیست. و معلوم است خوراک
 حیوان از آدم بمراتب افزون است. بهر جهت اگر او را
 مساوی با انسان فرض نکندیم لامحاله نصف متجاوز
 خواهد بود و بضمیمه وجه سابق جهل کرور تومان
 تخمین خواهد شد. و يك قسمت بزرگی نیز بخارج
 حل و صادر میشود از قبیل برنج و گندم و غیره که
 بضمیمه خشک بار مثل کشمش و سلو و غیره عشر
 میتوان فرش کرد ولی ما در انموقع کلیه از آنها صرف
 نظر کرده در جزه کسر این حساب تخمینی خود محسوب
 میداریم. و بر این مبلغ باید اضافه نمود سایر محصولات
 را که غیر از حبوبات مأكوله است از قبیل انواع میوجات
 و حاصل اشجار چون انگور و انار، خرما که فقط در پست
 شعبه مصرف میشود که کتواز همه مسکرات است. و مرکبات
 چون نارنج و لیمو و پرتقال و دانیات از تونون و سپکار و
 تمباکو و آنچه راجه بلباس است از قبیل پنبه و ابریشم.
 (ابریشم باعتبار برگ کرمش از محصولات زمین حساب
 کرده شود) و تریاک و مرطبات چون خیار حربوره و
 هندوانه و بقولات و سبزی آلات چون کاهو و اسفناج
 و پیاز و سیر و شوید. و درختان بی ثمر که فقط چوب
 و تیر آنها بکار میآید مثل درختان خشکی و بید و
 عرصه و سفیدار و تبریز، و غیره. بعلاوه آنچه در
 عطریات استعمال است مثل گل سرخ و غیره. آنچه در
 صرفه خانواری استعمال میشود چون بادبجان و کلم و
 شام و سیب زمینی و کاهو و جقندر و هویج (باستثناء
 حبوب نخود و لوبیا و ماش و عدس و غیره که در تعداد
 قوت یومی محسوب نمودیم). و آنچه در ادویه بکار میرود
 مثل عناب و تاجریزی و بنفشه. و آنچه از او عصاره
 گرفته میشود مثل کشمش و خرچک و بادام. و هر چه
 اسباب نقل است مثل گردکان و پسته و فندق و بادام
 و سایر عناوین مختلفه که در تحت حصر نیاید و احاطه
 بر آن بسهولت ممکن نشود و بی شبهه و تردید میتوان

اینهارا من حیث المجموع مقابل مأكولات یومی محسوب
 نمود بلکه یکی از ماهرین این فن دو برابر گمان کرده
 است. چنانکه اگر شخص در مدت یکماه ده تومان
 از برای حبوب و قوت یومی خرج کند یقیناً زیاده
 بر آن صرف این گونه امور نماید. کیست که محتاج بلباس
 پنبه یا ابریشمی نباشد و در ماه لا اقل چند قران صرف
 این کار نکند؟ کیست که صرف مرطبات در تابستان
 تمامد؟ کدام شخص است که یومی ذغال یا چوب را
 بسوزاند. مگر نه اغلب مردم معتاد بکشیدن قلیان
 یا چپق و سیگارند؟ چه قدر از نفوس ایرانی شرب
 مسکر و استعمال افیون که مخالف عقل و شرع و حد
 الصحه است عادت نموده اند. کیست که سبزی و
 بقولات را در خانه صرف نکند؟ کدام آدم شهر
 نشین است که در مسکن و اطاق منزل ننماید. و
 کدام منزل است که محتاج بدرو بخیره و تیر و سقف
 نباشد. و چندان از این قبیلها هست که محتاج بشرح نیست
 و اغلب نفوس باندک توجه برخوردار و با خبر میشوند و
 بر این تقدیر - ایانه زیاده از هشتاد کرور از بات خراج
 اراضی باید دوات باید شود. و این معنی فقط متعلق
 باراضی است و اگر بران افزوده شود سایر وجوه از
 قبیل سرشاری و مالیات حیوانات مثل گوسفند و گاو
 و شتر و غیره که بر حسب میزان زکوة بانها تعلق میگردد
 هر آینه بسی از این مبلغ زیاده خواهد بود. در این
 مقام بک سخن دیگر است که نمیتوان صرف نظر کرد و آن
 وضع خاصه جات دیوانی است که تنها بر دو عشر اکتفا
 نخواهد شد بلکه نصف یا دو ثلث آن متعلق بدوات است
 مثل سار اراضی ملکی و صاحبی که صاحب ملک بعد
 از وضع خراج آنچه ماند بارعیت قسمت کند. و اگر
 گوئیم مجموع خالصه جات دیوانی پیش از آنکه فروخته
 شود بالغ بر بجاه کرور طبعی آن باید بوده باشد. شاید
 بر اذهان قلیل آید ولی ملاحظه يك نکته این امر بخوبی
 اشکار میشود. در زمانی که نادر شاه مرحوم طاب الله نرام
 پای و پله تخت کیانی نهاد و اکلید سلطنت ایران را بفرق
 فرقدانسی خود مباحات بخشید همی از متلبسین بلباس
 علم که از خدمات چندین - اله و زحمت فوق المساقه
 آن یگانه آفاق عبور بودند که جسان مملکت از دست
 رفته را بزور سرچشمه شهادت و شجاعت و قوت عقل و

ندیر بازگرفته و آب رفته بجوی آورده و ملت مرده را احیاء نمود - از هرگوشه و کنار بنای متنه و فساد نهاد - عامه را تحریک میکردند و درد سر این مرد بزرگ را باعث میشدند - چندانکه تحمل ورزید و در مقام سکوت نشست بر جسارت آمان افزوده گردید چه این طوائف را خالق است مخصوص که چون بترسند بی انداره تملق و چاپلوسی کنند و چون اندکی آسوده شوند ناقصی القاب در الهاء فساد و نفاق کوشش نمایند چه فطرتاً بر شورش و طغیان مفلورند - خلاصه سگته کار این جهال بر علماء اعلام حق پرست وارد آمد - حکم از مصدر حلال نادری صادر شد که جمیع علماء را در محضر پادشاهی حاضر نماید آنگاه بعد از سؤال و جواب زیاد از فائده اوقاف حکم نمود کلیه اوقاف ممالک محروسه را گرفته جزء حاصله جات دولتی شمارند - در همان سال منافع آنها را بر او رد نمودند هیچده کرور پول برای عایدی این قسم خالصه حلت شد

اولا باید دانست که این خالصه حلت امروزه همان بقایای عهد فرخ نادری است بصمیمه آنچه بعد از او بدست آمده و پیشک میتوان گفت خالصه جات امروزی زاده از آن ایام است - جو بسی از اشخاص بعد از آن تاریخ مصادره شده اند یا خود مالیه خویش را بدولت واگذار نموده اند - و ثانیاً قدری باید تصور کرد که هیچده کرور آن زمان چه قدر پول حایه میشود - فرض کنید گندم آن ایام خرواری يك تومان یا دو تومان و علی الاکثر سه تومان بوده و حایه ده تومان تا هشت و هشت است - در دولت شاه عباس ماضی یکی از امرای صمحنه خراسانرا مأخوذ نموده حکم سکونت شیرازش کرد و - ایامه سیصد و شصت تومان مخارج آنرا معین نمود با اینکه اکنون این مقدار را مخارج يك کترین کالب بازاری نمیتوان مقررداشت - و از همین نکته تفاوت مخارج این دو زمان معلوم میشود - پس اگر ما گوشه حاله این اوقات بالغ بر پجاه کرور میشود چه جای تعجب و تحیر است

(۲) از فوائد این وضع طالبات ارتفاع لحظ و غلا است و عدم عبرت و تنگی - توسعه آیه که چون طالبات و حجاج تابع محصول باشد دولت بخوبی ملتزم میشود که عایدی هر ساله از هر جنسی چه بوده و در هر ولایت سه فقره است و صاحبان آن کیفیت - و آیا بر محل کفاف

آنوقت خود را مینماید یا سکر است تا از جلی دیگر با نظرف سوق نماید یا زیاد است تا بنقاط دیگر فرستاده شود - و اخفاء و استتار ممکن نیست - برخلاف ترتیب حایه که دولت تحقیق نمیداند از هر محل چه باید میشود زیرا که حقوق دیوان متعلق باراضی است خواه چیزی از زمین باید شود یا نه - این است که در ممالک متمدنه کتر لحظ و تنگی واقع میشود زیرا که در اول سال یا دو ماه گذشته از سال میزان صحیح بدست می آورند و تدارک کار را که قبل از وقوع باید کرد میکنند - و اگر فرضاً در خود مملکت بقدر لزوم و کفاف باشد از خارج خریداری نموده وارد میکنند - و چون ایران که هر ساله خلق اسیر فلاکت و تنگی میشوند و اعیان و تجار و صاحبان غلات رزق مردم را حبس نموده فقراء و ضعیفاء را فدای شهوات دنییه و هواجس رذیله خود میسازند و در ذلت و استیصال هموم کلبانی و شرکت ها تأسیس نموده تا غایت قوه سی و کوشش مینمایند

(۳) از فوائد آن کثرت آبادی و همراهِ و وفور خصب و نعمت و ارزانی ارزاق است زیرا که چون رعایا مطمئن گردیدند که آنچه حقوق دیوانی است کم یا زیاد از محصول خواهد بود و اگر خدا نخواسته چیزی باید بشود هر آینه دولت را بر آنان حتی نیست آورده و خاطر جمع میشوند زراعت و فلاحت شوند و زمینی را بابر و لم یزرع نگذارند - بلکه در ممالک دیگر بر دولت است که اعانه و مساعدت بزارعین و ارباب دهفت نماید - و بهمین وسیله دولت روس اراضی - پیریا و ماورا - آنرا آباد و معمور نمود - اولاً بواسطه خط آهن عبور و مرور را آسان نمود - ذهب و ایاب و حمل و نقل را سهل کرد آنگاه از سایر بلاد زراع را مخارج داده بذره و تخم و اسباب فلاحت از قبیل چرخ ، گاو و آهن و غیرها را بذریعه خط آهن بان سوی کسبیل داشت - و هرگاه در مدو امر بواسطه عدم استعداد اراضی محصولی باید نمیشد باز هم مخارج سالیانه را دولت متقبل شده تا آنکه چیزی نگذشت اکثر آن املاک معمور و قابل زراعت گردید - و بهمین وسیله روز بروز قدم فرا تر نهاد تا آنکه بر تمامی ممالک شمالی و مشرقی آسیا مسلط گردید - اگر نه واپون در کین گاه نشسته اعمال و حرکات و سکنات آنرا بدیده

تدقیق می نگریست تا آنکه موقع را مناسب دیده بقتله
بروی تاخیر یقیناً ممالک وسیع چین را بلعیده بود. نتیجه
این جهشان گیری سد ابواب فلاح و تجارت و قتل
هزارها نفوس بشریه شده تا فتح نصیب کدام گردد و
شاهد نصرت هم آغوش که شود

(۴) ازدیاد ثروت و مکنتم مملکت - چون از مسلمات
است که نخستین سرمایه غنا آنچیزی است که از عوامل
طبیعه حاصل شود از قبیل انکشاف معادن و زراعت
اراضی و سید بحر و چون ماهی و مرغابی و گوسفند و گاو
مخصوص در ملی که علوم و فنون و صنایع و کالات
در آنها رواجی ندارد. پس هرچه زراعت زیاد شود گاو
و گوسفند و اسب و غیره نیز افزوده گردد و تدریجاً
انواع و شعب فلاح و تجارت چون چای و نیشکر و
توتون و سایر اشیاء شیوع یابد و در ظل آنها نیز
تجارت و صناعت رواج گیرد ترتیب تمدن اسان دوره
قدیم که بیابان گرد و صحرا نورد بود با نشان میدهد که
اولین عوامل ترقی از حنیض توحش باوج مدنیت
و سعادت همان زراعت بوده است. و آدمی هرگز نتواند
از تجارت و صناعت سد احتیاجات خود را نماید و یک
ملت هر چند صاحب انواع کالات شود تا زراعت ندارد
محتاج بملل دیگر است - از روی همین قاعده میتوان گفت
ملت و دوات ایران محتاج بخارج نیستند زیرا که وسعت
و قابلیت اراضی این مملکت و درهای حاصل خیز و
جنهای طبیعی آن باندک توجهی رافع هرگونه احتیاج است.
فی المثل در صوبه عربستان و اهواز و بلوچستان و کرمان
چه قدر زمینهای مستعد بایر افتاده و بچشم حسرت بطرف
اعالی نگران است که شاید روزی در فکر اصلاح و تعمیر
اقتند و سد اهواز بسته پشت خود را محکم نمایند

همه کس عمده روزنامه ایران را که شرح قرض را
نگاشته دیده و خوانده است از جمله مصارفی که بجهت
صرف این خواه معین نموده بخارج فوائد عامه است از
قبیل تعمیر طرق و شوارع و بستن پلها و سدها که در
مقدمه این جمله بستن سد اهواز را عنوان کرده است. کسی
نیست سوال کند از امین السلطان آیا وجهی را مخصوص
این عمل کرده بودند یا خیر؟ اگر نه بود پس این چه
دسیسه بود و چرا باین اسامی محتاجه و عنوات بی اصل
هولت و ملت را اغفال نموده در زیر بار گران قرض

آوردی - و اسکر مبلتی متمحض صرف این
گونه امور شده بود پس چه شد آنجوه و در کجا
مصرف گردید؟ نمیگویم قرض نمودن مذموم
است - زیرا که همه دول متمدنه علی اختلاف مراتبهم
مقروض و وامدارند. چنانکه جمهوری فرانسه که در عداد
نمره اول دول محسوب است چهل میلیارد (چهل هزار
میلیون) قرض دارد - و نیز انگلیس ملت ذمه دار این
قرض بیست چه دولت هیئت حکومت يك ملت است هنرت
و رفعت - ذات و فلاکت - غنا و ثروت دولت فی الحقیقه
راجع بملت است و هم اعتبار و نشون ملت راجع بدولت -
اداء مخارج کشوری و لشکری و بلیکی دولت همه فریضه
ملت است و بدیعی عقول است که تا يك ملت و دولت
متحد شوند ترقی نخواهند نمود و ممکن نیست باختلاف
کلمه ملت و دولت مملکت و سلطنت باینده ماند - در
فرانسه قروض در اقی را بر اهالی بخش و تقسیم نموده اند
هر يك قرض را حصه هزار فرانک مقروض شده است - پس
طبل غیر بالغ بلکه بمحرد تولد که از هیچ چیز عالم خبر
ندارد اول قرض دولت بر ذمه او علقه ~~نکیرد~~ -
ما بر سلطنت که ولی نعمت کل و سایه رحمت الهی است
ایرادی نداریم وجود مقدسش را قبله خود می شناسیم
آنچه گوید و فرماید بجان و دل اطاعت کنیم - چه این
صفت پسندیده شاه برستی و دوا - خواهی را از نیاکان
یاك خود بورثت داریم و سرمایه افتخار و شرف خویش
میدانیم - در خدمت گذاریش پای از سر نشاسیم اطاعت
سلطانرا از مراتب ایمان داریم اراده سبیه اش را بر هر چیز
مقدم شماریم - قد جانرا جز صرف راه او امر و نوامی اش
نخواهیم - ولی سخن ما در آست چرا ناید دیگری که
خارج از ما و ما ملت ما دشمن است هتق ما را صرف
هوای نفس و لذات دنییه خود نماید - ما میگویم آنچه
بنام دولت قرض شد چرا باید در بانک خارجه بنام
دیگری نهاده شود - این وجوه که باید صرف آبادی
مملکت و رفع نواقص مایمی شود بجهت مناسب ~~باید~~ در
چین و ژاپون خرج شود - ما میگویم آنچه را ملت
فرانسه در خصوص صدارت کار دیسال (مازارن)
میگفتند در تواریخ فرانسه مذکور است بزمانیکه
مازارن بخارج خانواده سلطنت را چندان قلیل داده
بود که غذای سیر نمی خوردند در ~~بسی~~ از ~~مستشاران~~

خود در بر کلدانیهای بزرگ زیر زمینی ساخته بود و کلدان که بنزله در او بود با آلات مکانیکی برداشته و گذارده میشد زیاده از ده میلیون پول نقد ذخیره نهاده و در وقت مردن مالیه آن بالغ بر بیست و سه میلیون فرانک بود در حالیکه در خزانه دولت سد هرات فرانک موجود نبود (قلم ابجا رسید و سر شکست) بهر حال مسئله زراعت حتی در مال و حشیه کمال اهمیت را دارد. چه در حال امن یا هنگام سبزه و جنگ چنانکه این جنگ حالیه مشرق الاقصی اگر باطمینان برنج جزائر ژاپون و گندم و حبوبات روسیه نمی بود هرگز وجود خارجی پیدا نمیکرد. این همه خوبی و نخبین اراضی بجهة مصر بواسطه قابلیت زراعت و سکونت محصولات آن ولایت - شاهزاده وزیر اعظم مسکسی است که بدرستی و خوبی از فوائد ملاحه و نبت اهمیت این امر مسبق اند و هر ایالت حکمرانی کرده در ارباب زراعت آن اندازه سعی و محنت بوده اند. و این همه سعادت گیری بر حکام و ارسال مأمور مخصوص محس آرایش و رفاه ارباب دهقنت بوده و هست و در املاک و مزارع متعلقه بخودشان چنان در پیشرفت عمل زراعت مصرند که اگر درست مقایسه آن اراضی با ده سال قبل شود يك برده محصولات آنها افزوده شده است سابقاً و رراء ما اقدام در اینگونه امور را کمرشون و مقامات عالی خود تصور مینمودند. قطع مداخل خود از تعارف و تقدیمی و مواجب دیوانی و دیگر آنچه دای مسخر نموده بودند. و اگر اعیاناً ملکی را آباد میکردند بار محبتی تعدی بر حلق بودند. چنانکه علی آباد که در بین قم و طهران است از بدو احدان بساء آن تعدی بر مسافرن بود که طاعت را جاری سه قران و ببرا - بیری دو قران و تخم مرغ را دانه ده شاهی بهر روشد و از این مداخل مشروع مستاجر و ارباب آباد نمود

(ه) از فوائد آن. ارباب جمعیت و تکثیر موس حاصل است چونکه اراده تاریخی سابق مستفاد گردیده و بر رفته شده میشود که سایه عذری ربادی از رطایب ایران دست از وطن و جاه و قوم و تبار برداشته بمالک خارجه رهسپار میکردند و در آنجاها بکارهای سعادت و پر زحمت نین در میبندد و باجرن قلیل قناعت

میکنند باز راضی و شاکرند بالعکس در ایالات متحده (انازونی) امریکای شمالی سالیانه چند صد هزار قوس از بلاد بیده و محالک دور دست هجرت میکنند فلاحه در این مملکت مدرجه عمیرالغول رسیده - در عراق هنگام سلطنت بی امیه بواسطه آنکه مالیات متعلق بخود اراضی بود رعایا تاب و توان زیست نیاورده در هر صده هفتاد سال چنان مملکت آباد و معمور بمشابه و برانه شده بود و در زمان خلافت عباسی که خراج را از زمین برداشته بر محصول مقرر نمودند باندک زمانی معمور شد و خلق از چهار جانب بدو روی آوردند چندی نگذشت که شبری زمین بابر در آن یافت نمیشد ای کاش این وضع خراج اراضی که امروزه در ایران معمول است باوجود غلط بودنش بر همان میزان اولیه که مقرر شده است باقی ماندی و تغییر نیافتی. یا در تحت مراقبت مردمان صحیح جرح و تعدیل شدی ولی افسوس که کل یوم تباهی و فساد آن زیاد تر میشود و اسباب خرابی رعیت و نقصان مالیه دولت را فراهم می آورد بقسمی که اگر چندی بر این قیاس باند و اصلاح نمود اغلب رعایا متفرق و متشتت کردند و لازم شود که ارزاق را از دیگر ممالک خریداری نموده بایران وارد کنند. پیش از شروع بتوضیح این فقره نقل کلام یکی از مشاهیر فلاسفه متأخرین لازم است. - مشارالیه گوید (آباد میکنند هر مملکت و حافظ جمعیت هر ملت فقراء و مزدورانند. آنها کسانی هستند که همه اوقات در زحمت و ورع اند. اگر فقراء نباشند نه زراعت عمل آید و نه کارخانه دایر گردد. اغنیاء کسانی را گویند که نتیجه زحمت فقراء را بطایف الحیل بطرف خود جذب و جلب نمایند. و با اینکه در امور همیشه از هر جهت محتاج بقراء هستند در ظاهر بدسیسه و حيله آنان را بخود محتاج سازند. اغنیاء آنها هستند که زحمت نکشیده دست ریح خواهند و تجارت نموده سود طلبند و بزرگترین وسیله این مقصود نامشروع آنان نصب مواجب طبیعت کلیه است. چه طبیعت سطح زمین را محل زراعت و اقامت نوع بشر مقرر داشته است باید همگی در آن بطریق مساوات باشند و بر دولت لازم است نظر بر رعایت عدالت و داد مایع تعدیات این گروه شود افسوس که دولت متعده اروپا در شرایط تمدن اهمی

پس اسلام و اسلامیت از آنجا بیرون آید که آن
چون همیشه در مقام کبریتوس بوده و با اشخاص
بندین و غیرت معاشرت کرده منی اسلام و اسلامیت
را فهمیده بکنوع انس و محبتی بمخالفین اسلام پیدا
کرده اند لذا از معامله با کفار خودشنود و از معاشرت
و ملاقات راداران اسلامی خود منع فرموده اند - تا
اینکه نامه مقدس اسلامی جبلتین بمقداد باجازه
اولیای دولت ابد مدت علیه بحمله ایران جاری شده
بانهایت آزادی آنچه را که دیده و دانسته برض رساید
و رساله را که یکی از فضلاء ایران در فقره دخایات
همای مرحوم حجة الاسلام میرزای شیرازی تاریخ
طور نکات با اندک حک و اصلاح حکه روح صاحب
رساله ازین تقریرات مدب بسیار شد و اگر انصاف
تقد حیات است بعد نگارنده را همین نه نماید برض
رساند - مقصود در تقریرات کتاب "الظهار" است
بلکه بمنتهای حال شایسته اشاعه آنها نیست و ممکن
است همان کلام را عیناً با اندک تغییرات ملایحه نگاشته که
مطلقاً ظن به کسی نباشد و آنچه امروز دیده و
سنجیده میشود عوام ایران در نهایت استقامت بر سواد
وطن برستی و ملت حوامی و اسلامیت خود باقی و
روز بروز بر عقائد خود ثابت و جزم میباشد

ایشمه بلای غیرتی الا بعض متوهمین است که
منصف را سهل می دانند و جزو ظرافت و خوشمزگی
میشمارند که توهین اسلام و اسلامیان را نمایند و بدون
اینکه از مذمت و لعن اسلام خبری داشته باشند یا خدمت
زرگان اسلام و تعالی حقایق و حکای روحانی رسیده
باشد بمحض دو کله رطب و نیابن از یک نفری زمین
که فاصله تصور پاره طبیعین یا کشیش های بی مواد است
شاید همانرا نقل عیاش خود فرار داده اظهار ترفی
می نمایند - گویا چشم آنها تور و دل آنها را زنگ
پهیزی سیاه کرده است - و نمی فهمند که امروز قبول
صاحب روزنامه دجوة الحق که در طهران طبع میشود
یک مطلبی در مقام بیان توحید اسلام بیان فرموده که
اگر چشم پنداش و گوش شنوا باشد دیگر مطلبی معنی
برای اسحق بن است
حضرت متعالی نبوی پیغمبر که خداوند است
من اله علیه وآله مراد است از این کلام و

افراد نام روی زمین ثابت فرموده که مثل آفتاب
روشن است - و آن این است که اصغر کتاب های
مهم ام سالفه را حلاظه نماید نامه کتب قدیم و
اخیرا سافه آنها را که تا به شریک بخدای فرد احد
نمید است گروهی بنجداین شک و جویی - بازه به
تعداده - فرقه به برستی حاضر معتقد بودند همین یک
کلمه توحید که باید بآب طلا نگاشت - از صدر عظمت
ورفت آن خواصه لولا که تمام کره ارسن اعلان و ابلاغ
شد که (قولوا لا اله الا الله تاجوا) از آن به دستام صاحبان
ادیان وضع مقالات مضمونی خود را تغییر داده خجالت
میکشد مدف قدیم خود را که خوب و سنگ و آتش
برستی است ذکر نمایند آنها را شفاء عداقه میخوانند
این حق بزرگی است که پیغمبر اسلام و اسلامیان بر تمام
ادیان ثابت فرموده - یکی از نصاری باین نگارنده میگفت
همانطور که شما مولای خود را قسمت خدا میگوئید ما هم
بشایسته قلام - کتم بن شما با اسلام فرقی نداریم این
مبارت از نجیست

اگر تفرقه آتش پرست راست میگویند که در این
جزو زبان آتش را آیه و مخلوق خدا میدانند پس
چه فرق است با اسلام که میگویند (رفی کل شیء آیه)
تمام موجودات علم امکان مظاهر کمال و مخلوق حضرت
ذوالجلال می باشند لکن اینطور نیست - بل وجود کلمه
طیبه لا اله الا الله و توحید اهل اسلام که شایسته شریک و
کفر و اطلاق به بی همن جلال آنرا ندارد - حق منصف
خود را حجت می کنند بگویند

(باقی دارد)

مکتوب بشارت آمیز

تبر جبلتین - در باره بستن سد امواز حکه
بحکم حکم الهی حضرت لقمن هاپوزی و شاهزاده وزیر
اعظم محقق السلطنه مهندس ار مولاد منتخب کرده
فرستاد شوهنا در نامه مقدس مطالعه شد - امیدواریم
که انعامک انوار بوزک طایه در این موزه باشد اموار
سابقه بصبح و طرح تزیین نگارنده مهندس مولانوی
بجانب انوار دانه بود از انوار مولانوی خود معاشرت
تطویر نامه این بشارت را در طهران نگارنده فرستاد
و کلمه صیقل خرابی در این بشارت است
در این بشارت انوار بشارت در این بشارت

به عملیات پردازد فلان جمع جنهای وطن خواهان
 دولت برسد باز است چکی در نامه مقدس آفرین در
 عملیات سید اموات را ملاحظه نمایند
 مؤید الاملا - شیدا باشارت میدهم به پیش رفت
 کارهای - اطاقی و ترقیات ملای و دولتی ایران جو تاکنون
 آنچه جامع از ترقیات ایران بود همان عدم انتظام اداره
 عالی دولت بودی - و بدین سبب ملت با بود و دولت
 همواره از اضافه خرج بر دخل بریشان و جهان بود -
 نه متهم شهری که به تعمیرات ملکی پردازد و نه با امور
 لشکری توجه کند نه ارباب حقوق و موظفین دولت از
 کشوری و لشکری مملکت الحاضر میتوانستند بوظایف
 خود عمل نمایند و بدین جهت دولت را از اشتیاق
 ارباب حقوق فرصت رسیدگی بساز امور نبود -
 و نیز بواسطه روابط معاشرتی ملت و دولت بیکی
 همیک سر دیگری را ناگزیر است از برایشانی دولت
 وقت نیز بریشان بود - بحمد الله توجیحات ترقیات اقدس
 ملوکانه و تدابیر صائبه شاهزاده وزیر اعظم بدون آنکه
 دیناری بر ملت تحمیل شود باسکه با تخفیف معنوی
 رعایا دولت را ازین برایشانی آسودگی بخشود - مطابق
 نقشه وزارت عظمی با اینکه مبنای سنگت برای نظام
 امور لشکری و کشوری بر مصارف مقرر دولت
 افزوده شده مبنای هم برای ذخیره دولت اضافه دخل
 بر خرج ظاهر شده است - جمیع دانشمندان در اصلاح
 عمل عالی ایران در ششدر حیرت اندر بودند با آن
 همه خرابیهای وزارت سابقه و اعتقادات اندرونی
 که نزدیک بود شیرازه ملت و دولت از هم به باشد
 در روزی چند شاهزاده وزیر اعظم جلال این همه
 مشاغل گردید - اینک که از عمل طلبه فراغت حاصل
 شده در اصلاحات لشکری و کشوری توجهات لازمه
 خواهند شد - تا امروز در ایران چون موجب قشون
 حیف و میل می شد خدمت هم از قشون گرفته نمیشد
 حالا که بدون دیناری حیف و میل در نبره و عد قشون
 موجب می باید طبیباً از ارباب خدمت سردار و سردار
 معاف نخواهند شد - صاحب منصفان نظامی هم چون
 موجب سزایند از بدما نمیتوانند بطور ملاحظه از آنها
 نکرده جهت طلب لازمه و خدمت دستورشدهان جنم
 بونی را بر او خواهند دید و دولتی نیز چون طلبه

و مستحقان و فواجب قشون میدهند از خبانت گرفتار
 دقیقه را فرو گذار نخواهند نمود - همین قسم است اصلاح
 ساز امور ملکی همینکه دولت را آسودگی دست داد و
 ذخیره موجود گردید طبیباً طائل به تعمیرات ملکی و
 جلب فوائد عمومی و خصوصی میگردد ولی در
 صورتیکه دولت در مصارف خود در مانده باشد نه
 رغبت و به نیت در توجه به اصلاحات ملکی میباشد -
 و نه آن قدرت را دارا میشود که با اطمینان خاطر
 در اصلاحات ملکی هر جلب فوائد عامه پردازد عنقریب
 است که بشارهای نیکو از اقدامات مدبرانه حضرت
 وزارت عظمی در نامه مقدمه ملاحظه خواهیم نمود و
 نام ایران مانند ژاپون تمدن علم خواهد گردید
 باش تا صبح دولت بدمد
 کاین هنوز از نتایج - حر است

بوشهر

وقایع نگار جبل اللین می نویسد - چندی قبل اعلانی
 بر دیوارهای بوشهر دیده شد که تمام امر به نگاهداری
 احترام همه بود - از قراری که شنیده شد علماء امر کرده
 اند - و در این اوقات منبری شده چه روضه خوانی زیاد
 است و اعظان و روضه خوانها روی منبر مردم را تحریک
 میکنند - جمعه گذشته تمام بازارها بسته شد - اداره کراک
 یکشنبه و چهارشنبه را تعطیل قرار داده بود
 در جریده منس غمره ۳۷ در اخبار بوشهر نوشته
 بودند معمر بن بوشهر یاد ندارند ناخوشی در آبادی بوشهر
 داخل شده باشد این مسئله اشراق است یا تعائل باخیر
 شاید اهالی بوشهر را هنوز فراموش نشده که چند
 سال قبل چند اموات خودشان را بدوش کشیده
 از بوشهر بیرون می بردند - علاوه در سکوچه ها
 اموات افتاده بود و آنچه را میتوانستند پشت دروازه
 میر میخند - بالیوز انگلیس و حاکم بوشهر و اعیان مخارج
 کفن و دفن او را میدادند - از یکطرف قحط و غلا
 آنچه را عرض کنم هنوز کم است مگر از چند خانه
 مدود خانه سالم نمانده - از هر خانه یک نفر دو نفر
 چهار نفر مبتلا شدند لهذا حفظ ما تقدم لازم است
 چهار نفر مظهری که در بنام رفته بود دوپ روز
 است مراجعت کردم این روزها است روز بخوشی

راهها مسدود و قافله زود نمیکند. نوح اجناس تری کرده
 و میکند. حکومت خلیج چند روز بعد خیال سرکشی
 به بنادر دارد. سررطی خان نایب الحکومه میباشد.
 امید داریم نوعی سلوک شود که اهالی کال رضایت را
 از ایشان داشته باشند. کالخر سابق که مردم خیل از
 او ناراض بودند جناب دریاپیکر بعد از چند روز جنس
 از بوشهر اخراج فرمود. خدا صحت کند که باقی طالبان
 و ستم گاران را هم همین روز در پیش آید. رابر حسن
 و نجف مرید حاجی باجناب امین الرطابا با هم گفتنی
 پیدا کردند. هر دو پسر هم بودند حکومت چون دید
 اصلاح میشود زابر حسن را اخراج نمود. نجف فرزند
 ناخدای در اداره کربک مستخدم است
 اعلانی که در معابر و اسواق دیده شد آخر الامر
 با عا منتهی گردید که علماء از حکومت همراه خواستند.
 حالا دو هفته است که دکانین و حجره های تجار بسته
 و تعطیل است. اداره کربک هم چون کار را باین منوال
 دید ملتفت گردید که اهالی طالب تعطیل جمعه هستند
 تعطیل چهار شنبه را بعد بجمعه نموده. می بیند
 روزه های جمعه و یکشنبه تعطیل کربک خواهد بود
 دو کتور بزرگ انگلیس (کاندن) برای رسیدگی
 ناخوشی چند روز قبل طرم شیراز شد. جنرال قوسول
 روس (باست) و باب خود (جرکن) چند روز
 قبل طرم عبی و هندوستان گردیدند. چون تمام قوسولها
 هر سه به شیراز برای بیلاق میروند اصالت بواسطه بروز
 ناخوشی نکلی (عیر از قوسول آدان که قبل از بروز
 ناخوشی شیراز رفت) همه موقوف نموده و رفتند.
 قوسول روس بواسطه کجوس و ضعف و کسالت تحمل
 سفر فاخته را نداشت هندوستان سفر کرده است
 ناخوشی در طهران شدت داشت حالا دوسه روز
 است قدری تمییم یافته. عبور و مرور قوافل بتیراز
 مسدود نموده بود فسان زناد نهال التجاره وارد شد چرا که
 مکاری ها در عرض راه بعضی حلاک شده و برخی
 در راه شکسته و ملالانگاره و در راه انداخته بودند
 بخداوند رقع این مرض منحوس را بفرماید. این است
 نتیجه جاوگیرانی که دولت متدبه قبل از سلوک در
 ریاضات خود میخواستند. بر حال ستمانی در تمام

است. فریدالدی قریب هزار فرسنگه دارد آنچه
 فرار کرده اند نامعلوم است. ولی تاسات مرطبه در
 دالکی نعت و عدت غز بشاز آمده تا حال هم
 ناخوشی است. در بندر ریک که شش فرسخی بوشهر
 است میگویند بروز مضر شده ولی حقیقت آن معلوم
 نیست. ناخوشی همزه روی بنقصان نمانده. در همزه
 روزی بیست و پنج نفر االی سی نفر کلمات بود. در بوشهر
 قهالمد و صحت عمومی برقرار است لیکن اهالی در راه
 و اضطراب هستند. این روزها به امراض عظمه هم
 کثرت میباشند. امیدواریم که همین زودی زود شر
 این مرض از سر جمیع مسلمانان دور شود. کشتی جنگی
 بری بلیس به همزه رفته آب برداشته مراجعت کرده که
 جناب دریاپیکر سوار و سرکشی به بنادر فرماید از
 قرار مسموع امروز کشتی حرکت نماید ولی حقیقت
 معلوم نیست.

صندوق مالیه

خاطر عموم قراء محترم مسوق است. که در فجر
 ۲۸ از جریده مقدسه جبلالتین ملخص لطق شاهزاده
 وزیر اعظم زینت بخش صفحات روزنامه شده. جناحه
 کسی با کمال مراقبت در بیانات نواب والا امان نظر و
 دقت بصر نماید زودی بر او واضح و لایح خواهد شد
 که این کلمات عطفوت نمون فوائد و عوایدش حاصل و
 حائل عموم است. و بباره احری عشری از اعتبار و
 اندکی از بسیار محسنات آنها نتوان شرح و بسط داد
 منجمه ایجاد صندوق طلبیات است که حضرت وزیر
 اعظم در خاتمه لطق خود اظهار فرموده بودند
 بر همه کس معلوم است که اداع این قاعده و اختراع
 این قاعده موجب رفاه چندان هزار نفر میشود تا اندازه
 که تصور شود حکماء و خردمندان بوده و نفع آن
 عمومیست دارد. برای دو روز قبل اعلان اقتضای
 صندوق طلبیات در بوشهر از اداره کربک بموجب
 ذیل صادر گردید.

حساب الامر اولیای دولت ابد مدت صندوق طلبیات
 بنا بر خلیج فارس باغبان و اگذار شده. لذا بموجب
 اعلام و اعلان میدهم که بواسطه و جیزه از آخر برج
 سنه بتوسط اینجانب پرداخت خواهد شد و بواسطه